



An Evaluation of the Nature, Applications, and Realization of Islamic Economics in the Thought of Martyr Sadr

✉ **Mohammad Javad Ghasemi Asl Estahbanati**  / Assistant Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute. Ghasemiasl@iki.ac.ir
Ali Jaberi / Assistant Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute. jaberi@iki.ac.ir

Received: 2025/10/26 - **Accepted:** 2025/12/09

Abstract

Martyr Sadr, an Islamic luminary and foundational figure in the discipline of Islamic economics, delineated his economic theories by distinguishing between religion and science. However, his various formulations regarding the nature and ontology of Islamic economics have given rise to ambiguity concerning his perspective on this field. Through a comprehensive analysis of his writings, this study endeavors to elucidate and evaluate the relationship between science and Islamic economics within his intellectual framework. According to the research findings, Martyr Sadr adopts two approaches to Islamic economics: (1) the economic reality that is realized, or assumed to be realized, within Islamic society and in accordance with the framework of the Islamic economic madhhab; and (2) the economic reality that is inferred from the exclusive Islamic sources, namely the Qur'an and Sunnah. Sadr categorizes economic science into two types: natural and social. Theories within natural economic science are universally valid across societies and are not contingent upon human will or social madhhab. Conversely, Islamic social economics possesses the capacity for realization, and it can be argued that its subject matter is currently realized. In Sadr's view, Islam does not bear the responsibility of elaborating scientific theories per se, yet, in practice, elements of economic realities are embedded within the divine traditions (sunan) as articulated in transmitted evidence (dalil naqli).

Keywords: Islamic Economics, Natural and Social Economics, Scientific Economic Madhhab, Transmitted Economics, Empirical Economics, Martyr Sadr.

ارزیابی چستی، کاربردها و تحقق علم اقتصاد اسلامی

در نگرش شهید صدر

محمدجواد قاسمی اصل اصطهباناتی  / استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ Ghasemiasl@iki.ac.ir

علی جابری / استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ jaberi@iki.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۸

چکیده

شهید صدر، نابغه اسلامی و پایه‌گذار دانش اقتصاد اسلامی، با تفکیک بین مذهب و علم، به تشریح نظریات مذهبی اقتصادی پرداخته است. تعبیر متنوع ایشان درباره چستی و هستی علم اقتصاد اسلامی، دیدگاه ایشان درباره علم اقتصاد اسلامی را دچار ابهام کرده است. در این تحقیق تلاش می‌شود با ارائه تحلیل جامعی از کلام ایشان، نسبت علم و اقتصاد اسلامی در منظومه فکری ایشان تشریح و ارزیابی شود. طبق یافته‌های تحقیق، شهید صدر، دو رویکرد به علم اقتصاد اسلامی دارد: ۱. واقعیت اقتصادی که در جامعه اسلامی و در چارچوب مذهب اقتصادی اسلامی تحقق یافته یا فرض شده است. ۲. واقعیت اقتصادی که از منابع اختصاصی اسلامی شامل قرآن و سنت استنباط شود. شهید صدر علم اقتصاد را دو نوع طبیعی و اجتماعی می‌داند. نظریات علم اقتصاد طبیعی، در هر جامعه‌ای صادق است و تابع اراده انسانی و مذهب اجتماعی نیست. علم اقتصاد اسلامی اجتماعی، ظرفیت تحقق دارد و می‌توان گفت: در زمان حاضر موضوع آن محقق شده است. طبق نظر شهید صدر، اسلام رسالتی در تشریح نظریات علمی ندارد، اما عملاً در سنت‌های الهی مطرح در دلیل نقلی، بخش‌هایی از واقعیات اقتصادی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: علم اقتصاد اسلامی، علم اقتصاد طبیعی و اجتماعی، مذهب اقتصادی علمی، علم اقتصاد نقلی، علم اقتصاد تجربی، شهید صدر.

مقدمه

شهید صدر، با تألیف *اقتصادنا* جهشی در دانش اقتصاد اسلامی، بلکه در عموم دانش‌های اجتماعی اسلامی ایجاد کرد. وی در *اقتصادنا*، با تفکیک بین مذهب اقتصادی و علم اقتصاد به بررسی نظریات مذهبی در اقتصاد اسلامی پرداخت. وی سپس در دایره گسترده‌تر مخاطبان عمومی در کتاب «*المدرسة الاسلامیه*» و در دایره نخبگان سیاسی - اجتماعی در مجموعه نوشته‌هایی که در کتاب *الاسلام یقود الحیة* گردآوری شد، همین خط فکری را دنبال کرد. متأسفانه اجمال و تنوعی که در کلام شهید صدر درباره حقیقتی بنام «علم اقتصاد اسلامی» وجود دارد، فهم دیدگاه این نابغه اسلامی درباره حقیقت، تحقق، انواع و جایگاه این بخش دانش اقتصاد اسلامی را دچار پیچش و دشواری کرده است، به گونه‌ای که بسیاری با علم کردن این سرفصل در *اقتصادنا* که «الاقتصاد الاسلامی لیس علما»، ادعا کرده‌اند که شهید صدر علم اقتصاد اسلامی را نمی‌پذیرد، بدون اینکه سایر تعبیر و کلمات ایشان به درستی و به صورت جامع تنظیم شود و قضاوتی کامل انجام شود.

این ابهام، از دو جهت مسئله‌ساز است؛ نخست، از منظر دانش اقتصاد اسلامی که آیا حقیقتاً علم اقتصاد اسلامی داریم یا نه؟ دوم، از منظر شناخت دیدگاه شهید صدر. از منظر نخست، چیستی، هستی و چگونگی علم اقتصاد اسلامی، اولاً ریشه کلامی دارد، یعنی به جامعیت دین اسلام مربوط است، ثانیاً آثار و لوازم علمی دارد و باید معلوم شود که در کنار مذهب اقتصادی اسلام و سیاست‌گذاری اقتصادی بر اساس مذهب اسلام، علم اقتصاد اسلامی چه وضعیتی دارد. به تعبیر دیگر، باید اجزای دانش اقتصاد اسلامی شناخته شود تا معلوم شود که نسبت مذهب اقتصادی اسلام و سیاست‌گذاری اقتصادی با علم اقتصاد متعارف چیست. آیا با پذیرش مذهب و سیاست اقتصادی اختصاصی، می‌توان از علم اقتصاد متعارف استفاده کرد؟ کجا پاسخ مثبت و کجا منفی است.

از منظر دوم، فهم دیدگاه شهید صدر برای جامعه علمی اهمیت بسزا دارد. وی نابغه عصر حاضر بود که در علوم مختلف اسلامی از فلسفه و منطق تا اصول فقه و فقه و از تاریخ تا تفسیر، آثار گرانبهایی به یادگار گذاشته و در دانش اقتصاد اسلامی حرکت عظیمی ایجاد کرد. فهم حقیقت علم اقتصاد اسلامی و تحقق آن در نگرش شهید صدر، رسالتی است که دانش اقتصاد اسلامی با آن مواجه است.

بنابراین پرسش اصلی که این تحقیق دنبال می‌کند، عبارت است از: «نگرش شهید صدر به نظریه علمی در اقتصاد اسلامی چیست؟» مقاله پیش‌رو، پاسخ به این پرسش را در سه بخش دنبال می‌کند: اول، تعیین چیستی علم اقتصاد اسلامی در کلام شهید صدر. دوم، کاربردهای علم در اقتصاد اسلامی در کلام شهید صدر. سوم، تحقق علم اقتصاد اسلامی در نگرش شهید صدر.

پس از شهید صدر، تنی چند از محققان اقتصاد اسلامی به طرح و بررسی دیدگاه وی درباره علم اقتصاد اسلامی پرداختند. بخشی از این تحقیقات، ناظر به نحوه تحقیق و نظریه‌پردازی در علم اقتصاد اسلامی است که از دایره این تحقیق خارج است (ر.ک. نظری، ۱۳۸۸). این بررسی‌ها، در دو سطح عمومی و اختصاصی بوده است.

بررسی‌های عمومی، به تحلیل ماهیت علمی اقتصاد اسلامی پرداخته است. این تحقیقات، صرفاً بر اساس کلام شهید صدر ذیل سرفصل «الاقتصاد الاسلامی لیس علما» در *اقتصادنا*، اقتصاد اسلامی را فاقد محتوای علمی دانسته و تحقق علم اقتصاد اسلامی را منوط به تحقق جامعه اسلامی دانسته‌اند:

مقاله‌های «کاوشی در علمیت اقتصاد و اقتصاد اسلامی» (دادگر، ۱۳۷۵)؛ «درآمدی بر روش علم اقتصاد اسلامی» (میرمعزی، ۱۳۹۰)؛ «معناشناسی مکتب، نظام و علم در ادبیات اقتصاد اسلامی» (نظری و همکاران، ۱۳۹۷)؛ «موضوع علم اقتصاد اسلامی» (میرمعزی، ۱۳۸۶)، نویسنده با استناد به این کلام شهید صدر، موضوع علم اقتصاد اسلامی را رفتار اقتصادی مسلمانان در جامعه اسلامی می‌داند. مقاله «بازخوانی مجدد ماهیت اقتصاد اسلامی» (رفیعی آتانی، ۱۳۹۰)، شهید صدر را حامی رویکرد اسلامی بودن موضوع اقتصاد اسلامی دانسته است. در رویکرد موضوع‌محور، هر نظریه‌ای که به رفتار اقتصادی در جامعه اسلامی، یعنی جامعه‌ای شکل گرفته بر اساس مذهب اسلامی، بپردازد، نظریه‌ای متعلق به علم اقتصاد اسلامی یا به تعبیر شهید صدر، علم اقتصاد جامعه اسلامی است (صدر، ۱۴۲۴ق، ب، ص ۴۳).

در بررسی‌های اختصاصی، اندیشمندان با تمرکز بر دیدگاه شهید صدر درباره علم اقتصاد اسلامی، تحقیقات خود را سامان داده‌اند:

دادگر در مقاله «علمی نبودن اقتصاد اسلامی از نظر آیت‌الله صدر»، پس از تشریح دیدگاه شهید صدر درباره علم اقتصاد اسلامی که عمدتاً ناظر به سرفصل «الاقتصاد الاسلامی لیس علما» است، تلاش می‌کند ایشان را متأثر از فضای اثبات‌گرایی موجود در آن زمان جلوه دهد و سه نسبت به شهید صدر می‌دهد: تأکید بر جدایی امور اثباتی از دستوری، فراگیر دانستن علم اقتصاد متعارف و اصرار بر جمع‌آوری داده‌های واقعی برای تحلیل علمی بودن اقتصاد اسلامی (دادگر، ۱۳۷۷، ص ۶۶-۷۱). تحلیل دادگر از رویه شهید صدر، وی را به جایی می‌رساند که تأکید شهید صدر بر چارچوب‌سازی مذهب برای بحث علمی را عقب‌نشینی ایشان از تفکیک اثباتی - دستوری محسوب می‌کند (دادگر، ۱۳۷۷، ص ۶۸). تحلیل‌های مطرح در مقاله حاضر، خطا بودن نقدهای دادگر را روشن می‌کند.

میرمعزی در مقاله «نقد و بررسی دیدگاه شهید صدر درباره هویت اقتصاد اسلامی»، به شهید صدر سه اشکال می‌گیرد: نخست، موضوع علم اقتصاد اسلامی، صرفاً جامعه اسلام نیست. دوم، هدف علم اقتصاد اسلامی، صرفاً تبیین و پیش‌بینی نیست، بلکه اهداف هنجاری و دستوری نیز دارد. سوم، روش علم اقتصاد اسلامی، منحصر در عقل و تجربه نیست و وحی نیز اعتبار دارد (میرمعزی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸-۱۴۳).

توکلی در مقاله «بازخوانی رویکرد شهید صدر در مورد هویت علمی اقتصاد اسلامی». وی، نفی علم اقتصاد اسلامی توسط شهید صدر را به سه معنای علم دیالکتیکی مارکسیستی، دانش اثباتی محض و علم اقتصاد پیشینی می‌داند (توکلی، ۱۳۹۶، ص ۲۱۵-۲۱۷). وابستگی تحقق علم اقتصاد اسلامی به تحقق مذهب، یعنی

علم اقتصاد محض نداریم (توکلی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۱-۲۲۴). شهید صدر به دنبال تفکیک اقتصاد اسلامی از اقتصاد جامعه اسلامی نیست، بلکه درصدد تأکید بر این واقعیت است که تحلیل‌های عینی همواره در بستر فروض هنجاری موجود در جامعه صادق‌اند (توکلی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۵-۲۲۶). اسلامیت علم اقتصاد، مشروط به تحقق ساختار نهادی مورد نظر اسلام است، یعنی علم اقتصاد اسلامی از قانونمندی‌هایی سخن می‌گوید که در یک چارچوب اسلامی صادق است (توکلی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۹).

بخشی از تحقیقات پیش‌گفته، شامل خطاهایی در تحلیل نگرش شهید صدر بود و برخی تحلیل‌ها به جهت عدم توجه به مجموعه نظرات شهید صدر، دچار نقص و تحلیل یک‌سویه است. در تحقیق حاضر تلاش می‌شود تحلیل جامعی از کلام شهید صدر ارائه شود؛ نسبت اصطلاحات علم با اقتصاد اسلامی در نگرش شهید صدر تشریح شود، انواع علم اقتصاد اسلامی در کلام شهید صدر تفکیک شود و وجود یا عدم هر یک بررسی شود.

۱. چپستی علم اقتصاد اسلامی

مهم‌ترین معانی اصطلاحی علم، از این قرار است: ۱. مجموعه قضایای هم‌سنخ، هرچند قضایای شخصی و خاص باشند. ۲. مجموعه قضایای کلی هرچند اعتباری باشند. ۳. مجموعه قضایای کلی حقیقی هرچند غیرتجربی باشند. ۴. مجموعه قضایای کلی حقیقی تجربی (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۶۸). این تعاریف، ناظر به تعریف علم به عنوان یک واقعیت اجتماعی است، یعنی تعداد قابل توجهی از دانشمندان که حول محور دانش واحدی، با هم ارتباطاتی دارند، اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند، دارای جایگاه اجتماعی مشترکی هستند و احتمالاً از منظر قانونی دارای شخصیت حقوقی مشترکی هستند که منشأ حقوق و وظایف خاصی در جامعه می‌شود. مباحث شهید صدر پیرامون علم اقتصاد اسلامی در قالب یک مکتوب منظم و یکپارچه توسط ایشان مطرح نشده است. ایشان به مناسبت‌های گوناگون به صورت مستقیم و صریح یا غیرمستقیم و ضمنی به علم اقتصاد اسلامی پرداخته است. درباره سه جزء «علم»، «اقتصاد» و «اسلامی»، نحوه عملکرد شهید صدر متفاوت و نیازمند بررسی است.

ایشان در مواضعی که تمایز بین علم اقتصاد و مذهب اقتصادی را مطرح می‌کند، با تعریف «علم» و «مذهب» تفاوت این دو را برمی‌شمارد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۴۴ و ۳۵۹). اولاً علم (اقتصاد)، شناخت وضع موجود و علل آن آنچنان که هست و مذهب (اقتصادی) شناخت وضع مطلوب، آنچنان که باید «العلم یتحدّث عمّا هو کائن، و أسباب تکوّن. و المذهب یتحدّث عمّا ینبغی أن یکون و ما لاینبغی أن یکون». ثانیاً وظیفه علم، اکتشاف و وظیفه مذهب، ارزش‌گذاری است: «للتمییز بین وظیفه العلم و مهمّة المذهب بین الاکتشاف و التقویم» (صدر، ۱۴۲۱ ق - ب، ص ۱۲۴). ثالثاً وظیفه علم، تفسیر پدیده‌های زندگی اقتصادی و ارتباط این پدیده‌ها با عوامل موثر در تحقق آن و وظیفه مذهب، تعیین مسیری که جامعه باید برای حل مشکلات اقتصادی انتخاب کند، است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۴۴ و ۳۶۰).

ایشان درباره ماهیت یک تحقیق «اقتصادی» و تمایز آن با سایر تحقیقاتی که بتوان آنها را «غیراقتصادی» دانست، مطلبی مطرح نکرده، یعنی تبیین نکرده که با چه معیاری می‌توان یک پدیده اجتماعی را موضوع یک تحقیق

اقتصادی دانست و پدیده دیگری را نه. گویا شهید صدر، در این باره به فهم متعارف از موضوعات و مسائل اقتصادی اکتفا کرده است. هرچند ایشان تا این حد را توجه داشته که واقعیت اقتصادی، بخشی و حیثیتی از واقعیات اجتماعی است و به همین سبب مذهب اقتصادی اسلام را جزئی از مذهب اجتماعی اسلام دانسته است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۹۳).

درباره معیار «اسلامی» بودن یک تحقیق نیز در کلام ایشان دو معیار مطرح است:

اسلامی بودن منبع، یعنی منابع تحقیق از منابعی باشد که به اسلام اختصاص داشته باشد، یعنی دلیل نقلی. البته از آنجاکه شهید صدر رسالت علمی را برای اسلام نفی می‌کند و اسلام را دارای رسالت دعوت و انقلاب می‌داند، طرح این معیار در کلام ایشان با زبان نفی است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۴۶ و ۳۱۶). شهید صدر، در کتاب المدرسة القرآنیة به تشریح سنت‌های اجتماعی مستند به قرآن می‌پردازد (ر.ک. صدر، ۱۴۲۱ق - الف، درس ۳-۱۴). سنت‌های اجتماعی، بخشی از سنت‌های الهی است. مقصود از سنت‌های الهی، قوانین تکوینی است که خداوند عملکرد موجودات را بر اساس آن تنظیم کرده است. بخشی از سنت‌ها، اجتماعی (ر.ک. صدر، ۱۴۲۱ق - الف، مصباح یزدی، ۱۳۷۲، ص ۴۲۵) و بخشی از سنت‌های اجتماعی، اقتصادی است.

اسلامی بودن موضوع تحقیقات علوم اجتماعی، یعنی جامعه مورد بررسی، جامعه‌ای تحت تأثیر مذهب اسلام باشد. این دیدگاه را شهید صدر در *اقتصادنا* مطرح می‌کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۶).

۲. کاربردهای علم در اقتصاد اسلامی

شهید صدر، در سه حوزه و سطح متفاوت درباره علمی بودن یا نبودن اقتصاد اسلامی سخن گفته است؛ گاه علمی بودن یا نبودن، صفت مذهب اقتصادی واقع شده است. گاه به اعتبار منبع و روش شناخت، از علم اقتصاد نقلی یا تجربی سخن به میان آمده است. گاه به اعتبار محتوای گزاره‌های علمی، سخن از علم اقتصاد طبیعی یا اجتماعی است. بنابراین این سه تقسیم، سه مقسم متفاوت دارد و در طول هم یا در عرض هم نیستند. به همین جهت، ممکن است یک گزاره علم اقتصاد طبیعی یا اجتماعی، از منبع نقل یا منبع غیر نقل استفاده شود و ممکن است از منبع نقل یا غیر نقل به گزاره‌ای مرتبط با علم اقتصاد طبیعی یا اجتماعی برسیم. البته می‌توان گفت تقسیم علم اقتصاد به نقلی و غیر نقلی، مسئله فلسفه اقتصاد است و مستقیماً به علم اقتصاد مربوط نیست، اما تقسیم علم اقتصاد به اجتماعی و طبیعی، مستقیماً مربوط به مسائل علم اقتصاد است.

در ادامه این سه رویکرد شهید صدر درباره نسبت «اقتصاد اسلامی» و «علم» معرفی می‌شود.

۲-۱. مذهب اقتصادی علمی و غیر علمی

در تفکیک پیشین، شهید صدر از علم اقتصاد اجتماعی با این ویژگی یاد کرد که قوانین علمی اقتصادی در جامعه متأثر از نظریه مذهبی رایج و غالب شکل می‌گیرد. به این جهت می‌توان از علم اقتصاد اجتماعی با تعبیر «علم اقتصاد مذهبی» نیز تعبیر کرد که طبق تعبیر شهید صدر، قوانین آن علم است، اما در چارچوب مذهبی خاص صادق است:

«القانون، مضمونه علمی و إطاره العام - شرط صدقه - مذهبی» (صدر، ۱۴۲۱ق - ب، ص ۱۳۳). بخشی از نظریات اقتصادی در اسلام، از هدف یا چارچوب مطلوب فرازمانی و فرامکانی حکایت می‌کند که کلی، باثبات، دائمی و در همه شرایط صادق است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۶۵ و ۳۸۱؛ قاسمی‌اصل، ۱۳۹۶، ص ۱۰۶-۱۰۷ و ۱۲۰). شهید صدر، از این سنخ نظریات در دانش اقتصاد، به مذهب اقتصادی تعبیر می‌کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۴۴ و ۳۵۹-۳۶۰). نظریاتی که شهید صدر، درباره عدالت اجتماعی، آزادی فردی محدود، مالکیت مختلط، توزیع، تولید و دولت مطرح کرده، مثال این گونه نظریات است (ر.ک. صدر، ۱۳۸۲).

شهید صدر، در تشریح تفاوت بین مذهب مارکس با مذهب اسلام و سرمایه‌داری می‌گوید: مارکس، مدعی است مذهب اقتصادی که معرفی می‌کند، با یک روش علمی به دست آورده، یعنی با بررسی تجربی تاریخ تحولات اقتصادی جوامع گوناگون توانسته است ماهیت و علل تحولات اجتماعی - اقتصادی جوامع را کشف کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۵). براساس ادعای مارکس، باید اخلاقی در کار نیست، بلکه ضرورت فلسفی و تحقق تاریخی برقرار است. مذهب به معنای آنچه شایسته است، مطرح نیست، بلکه مذهب مارکس عین واقعیت تحقق یافته یا در حال تحقق است و مارکس بر اساس همین نظریه مذهبی، به تبیین و پیش‌بینی می‌پردازد، درحالی‌که برای اقتصاددان مسلمان و اقتصاد سرمایه‌داری تبیین و پیش‌بینی رسالت علم است، نه مذهب.

در مقابل، اقتصاد اسلامی، ادعای علمی بودن ندارد، بلکه با تحلیل واقعیات هستی‌شناختی و انسان‌شناختی به ارزش‌هایی پایه درباره جامعه و اقتصاد می‌رسد که اگر آن ارزش‌ها عملی شود، جامعه به وضع مطلوب خواهد رسید، وگرنه این گونه نیست که جامعه به صورت قهری رو به وضع مطلوب در حرکت باشد. علمی بودن قوانینی که مارکس مطرح می‌کند، از سنخ قوانین طبیعی است، یعنی نتایج حتمی که مسیر حرکت تاریخ، انسان و جوامع را تعیین می‌کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۵). شهید صدر، در کنار نقدهای فلسفی، نشان می‌دهد که ادعای مارکس فاقد شواهد متقن تاریخی است و در موارد بسیاری نیز دارای مثال‌های نقض است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۵۳). برخلاف مذهب اقتصادی مارکس که ادعای علمی - تجربی بودن دارد و مذهب اقتصادی اسلامی که بر مبانی هستی‌شناختی مبتنی است، مذهب اقتصاد سرمایه‌داری نه هویت علمی - تجربی دارد نه بر مبانی هستی‌شناختی مرتبط به مبدأ و معاد انسان مبتنی است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۵؛ صدر، ۱۴۲۴ق - ب، ص ۲۵-۲۸).

بنابراین مذاهب اقتصادی، برخی علمی است یا ادعای علمی بودن دارد و برخی علمی نیست، بلکه مدعی تعیین مسیر و ابزار مناسب برای رسیدن به نهایت مطلوب بشر است. به این معنا، مذهب اقتصادی اسلام و مذهب اقتصادی سرمایه‌داری، علمی نیست. این تعبیر شهید صدر در *اقتصادنا* که «الاقتصاد الاسلامی لیس علما» (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۵)، ناظر به مقایسه مذهب اقتصادی اسلام با مذهب اقتصادی مارکس است و علمی بودن مذهب اقتصادی اسلام را نفی می‌کند. شهید صدر با نفی علمی - تجربی بودن مذهب اقتصادی اسلام، درصدد اثبات تاریخی نبودن،

دائمی بودن و تغییرناپذیری نظریات مذهب اقتصادی اسلام است؛ زیرا واقعیات علمی - تجربی در اثر تأثیرپذیری از تحولات اجتماعی، دائماً در معرض تغییر است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۶).

طبیعتاً اگر برای علمی بودن معنای «واقعی» و «مستند به دلیل معتبر، هرچند غیرتجربی» را در نظر بگیریم، مذهب اقتصادی اسلام علمی خواهد بود (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۹۰-۲۹۲). البته غیرعلمی بودن مذهب اقتصادی اسلامی به معنای مدنظر شهید صدر، به معنای عدم ارتباط بین مذهب اقتصادی اسلام با علم اقتصاد اسلامی نیست. نظریه پرداز در علم اقتصاد اسلامی اجتماعی، تحت تأثیر نظریه مذهبی، چیزهایی را مشکل و مسئله جامعه اسلامی می بیند و آن را به عنوان موضوع تحقیق انتخاب می کند. به عبارت دیگر، آنچه در خارج مشاهده می شود، نسبت مثبت یا منفی با مذهب اقتصادی اسلام دارد. عالم اقتصاد، با هدف سیاست گذاری در جهت تثبیت واقعیات مطلوب و تغییر واقعیات نامطلوب، به نظریه پردازی درباره واقعیت اقتصادی می پردازد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۶). تعیین مطلوب یا نامطلوب بودن واقعیت، رسالت مذهب اقتصادی است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۴۴؛ صدر، ۱۴۲۱ ق - ب، ص ۱۳۰-۱۳۱).

۲-۲. علم اقتصاد نقلی و تجربی

برخی گزاره های واقع نما در منابع نقلی وجود دارد که از قوانین تکوینی موجود در آفرینش و میان موجودات حکایت می کند. در ادبیات قرآنی، از این واقعیات به سنت های الهی تعبیر می شود. بخشی از این سنت ها را که درباره واقعیات اقتصادی صادق است، علم اقتصاد است. اگر کشف سنت های اقتصادی از منبع اختصاصی اسلام، یعنی نقل باشد، علم اقتصاد اسلامی خواهد بود. اگر مجموعه گزاره های مربوط به سنت های اقتصادی در قالب مجموعه منظمی با روابط معنادار تعریف شود، واقعیتی به نام علم اقتصاد اسلامی شکل می گیرد که منشأ نقلی دارد. شهید صدر، بررسی سنت های الهی در جوامع را در کتاب *المدرسة القرآنية* پیگیری کرده است (ر.ک. صدر، ۱۴۲۱ ق - الف). از آنجاکه پدیده های اقتصادی در بستر جامعه رخ می دهد، هر پدیده اقتصادی یک پدیده اجتماعی است.

در مقابل، برخی گزاره های واقع نما بر اساس تجربه حسی و ادراکات شهودی درباره واقعیات اقتصادی وجود دارد که از قوانین تکوینی موجود در آفرینش و اجتماع حکایت می کند. پدیده علمی اقتصادی تجربی، اگر درباره واقعیت موجود در جامعه اسلامی و متأثر از عملیاتی شدن مذهب اقتصادی اسلام در جامعه شکل بگیرد، به اعتبار اینکه موضوع بررسی جامعه متأثر از مذهب اقتصادی اسلام است، مصداق علم اقتصاد اسلامی است. چون علم اقتصاد اسلامی در این تعریف، مربوط به واقعیات عینی قابل تجربه حسی است، عنوان علم اقتصاد اسلامی تجربی بر آن صادق است. شهید صدر در *اقتصادنا* به این نوع علم نظر دارد و علم اقتصاد اسلامی را به این معنا می گیرد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۶).

این تفکیک، به منبع کشف نظریه علمی نظر دارد و حیث اسلامی بودن هر منبع متفاوت است. علم اقتصاد اسلامی نقلی، می تواند درباره جامعه غیراسلامی نیز قوانینی را مطرح کند، گو اینکه بخشی از سنت های اقتصادی

مطرح در قرآن کریم درباره جامعه غیراسلامی است، اما اسلامی بودن علم اقتصاد تجربی به این است که ناظر به واقعیات اقتصادی جامعه اسلامی باشد.

۲-۳. علم اقتصاد طبیعی و اجتماعی

شهید صدر با لحاظ تأثیر یا عدم تأثیر اراده انسان و فرهنگ اجتماعی در شکل‌گیری قوانین علمی، قوانین علم اقتصاد را به دو بخش طبیعی و اجتماعی تقسیم می‌کند. وی، معتقد است برخی گزاره‌های اقتصادی نسبت به اراده انسان و فرهنگ اجتماع لا بشرط است و در هر شرایط مکان و زمانی صادق است. اینها قوانین طبیعی است. در مقابل، قوانین علمی که تابع اراده انسانی و فرهنگ اجتماعی و نظریه مذهبی غالب باشد، قوانین اجتماعی علم اقتصاد است. شهید صدر، با رد جهان‌شمولی همه نظریات اقتصادی مطرح در علم اقتصاد متعارف، معتقد است بسیاری از نظریات علمی در اقتصاد سرمایه‌داری، صبغه مذهبی دارد و در فضای مذهبی دیگری با فرهنگ اجتماعی متفاوت، لزوماً این نظریات حاکم نخواهد بود (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۵۱).

بنابراین شروع تحقیق از بررسی نظریات مطرح در اقتصاد متعارف، یک شروع انفعالی است که محقق را در دام ادبیات علمی اقتصاد متعارف اسیر می‌کند. مسائل اقتصاد اسلامی، لزوماً از مبدأ مسیر، روش و مقصدی که علم اقتصاد متعارف دنبال کرده، پیروی نمی‌کند. بنابراین به‌عنوان مثال رویکرد پژوهشگران اقتصاد متعارف در تحلیل کالای عمومی و بخش عمومی، لزوماً نمی‌تواند خط سیر پژوهشگران اقتصاد اسلامی را نیز معین کند؛ زیرا پذیرش کالای عمومی به‌عنوان حاشیه بازار و بخش جانبی کالای خصوصی و محصول شکست بازار، ناشی از رویکرد مثبت اقتصاد متعارف به مالکیت خصوصی و آزادی فردی و رویکرد منفی به مالکیت دولتی و محدودیت‌های آزادی فردی است. اقتصاد اسلامی که به مالکیت مختلط (مزدوج) باور دارد و مالکیت دولتی و عمومی را در کنار مالکیت فردی اصیل می‌داند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۸۱ و ۲۸۴)، باید به‌جای دوگانه کالای خصوصی و عمومی، از سه‌گانه کالای حاکمیتی، عمومی و خصوصی سخن بگوید. در این سه‌گانه، کالای حاکمیتی؛ یعنی کالاهایی چون آموزش و پرورش که جزء وظایف ذاتی نظام اسلامی محسوب می‌شود و منطقه ممنوعه ورود بخش خصوصی و غیردولتی است.

بر اساس این تفکیک، آیا در هریک از قوانین طبیعی و اجتماعی، علم اقتصاد اسلامی قابلیت تحقق دارد؟ پاسخ شهید صدر درباره قوانین اقتصادی اجتماعی مثبت است. در این سنخ قوانین، می‌توان به تعداد مذاهب اقتصادی، علم اقتصاد داشت (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۷-۳۱۹). وی وظیفه علم اقتصاد را بررسی پدیده‌های طبیعی و اجتماعی در زندگی اقتصادی برمی‌شمارد (صدر، ۱۴۲۱ق - ب، ص ۱۳۳).

۳. تحقق علم اقتصاد اسلامی

شهید صدر، در چهار موضع و به چهار معنای متفاوت، علم اقتصاد اسلامی را نفی کرده است؛ مذهب اقتصادی علمی، علم اقتصاد طبیعی، علم اقتصاد اجتماعی و علم اقتصاد نقلی. عدم تفکیک بین این چهار معنا، باعث کج‌فهمی درباره

واقعیت دیدگاه شهید صدر می‌شود. توضیحات شهید صدر، درباره نفی علمی بودن مذهب اقتصادی اسلام در مباحث پیشین مطرح شد. سایر موارد، طرح و بررسی می‌شود تا موارد تحقق علم اقتصاد اسلامی مشخص شود.

۱-۳. علم اقتصاد نقلی

شهید صدر، رسالت دین را طرح نظریات علمی نمی‌داند و معتقد است وظیفه دین نشان دادن مسیر دستیابی به سعادت به انسان است. بنابراین غیرمنطقی است اگر بخواهیم با کاوش در متون دینی به دنبال کشف نظریات علمی باشیم. هرچند ممکن است به مناسبتی که بی‌ارتباط با هدایت انسان نیست، متون دینی درباره مطلب علمی صحبت کند (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۴۸). قوانین علمی اقتصاد، نیز از این قاعده مستثنا نیست. دین، وظیفه ندارد گزاره‌های علمی درباره قوانین حاکم بر واقعیات اقتصادی مطرح کند.

درباره این دیدگاه شهید صدر، توجه به نکاتی ضروری است: کلام شهید صدر، مبتنی بر چگونگی رابطه علم و دین است. فهم رابطه علم و دین، منوط به تعریف علم و دین است. بحث از گستره حضور دین، منجر به پرسش درباره حدود وظایف و اختیارات دین و ذاتیات و عرضیات دین می‌شود. این پرسش‌ها، دو پاسخ برون‌دینی و درون‌دینی دارد، یعنی گاه به صورت عقلانی بحث می‌شود که دین تا کجا باید یا حق دارد که حضور داشته باشد و گاه با تمرکز بر دین خاصی، از این بحث می‌شود که آن دین در کجاها حضور دارد.

اگر در بحث عقلانی نتیجه بگیریم که دین وظیفه ندارد در برخی حوزه‌ها مثل قوانین علم «پزشکی» یا «اقتصاد» وارد شود، اما عملاً یک دین ورود جدی در این مباحث داشت، نمی‌توان از بررسی و تنظیم مباحث مطرح در آن حوزه صرف‌نظر کرد. ترک این وظیفه، دو آفت دارد: نخست، سوءاستفاده، سوءبرداشت و اعمال سلیقه ناآگاهان درباره متون دینی موجود در آن حوزه علمی. دوم، کفران نعمت و عدم استفاده بهینه از حقایقی که توسط شارع درباره آن حوزه علمی ارائه شده و محروم شدن جامعه علمی از آن.

حتی اگر در تمام قرآن کریم و سنت معصومان علیهم‌السلام صرفاً یک گزاره خبری علمی درباره واقعیات اقتصادی وجود داشته باشد، نمی‌توان و نباید از آن صرف‌نظر کرد، درحالی‌که مراجعه به کتاب و سنت، انبوهی از گزاره‌های خبری واقع‌نما درباره انسان، جامعه و اموال را نشان می‌دهد. این حقیقت، درباره قرآن کریم پررنگ‌تر است که بیشتر حجم مطالب مطرح در آن، خبری و اثباتی است. واقعیات مربوط به علوم اجتماعی، انسانی و رفتاری، ارتباط مستقیم و شدید با سعادت انسان دارد. از تطبیق هر واقعیت انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی یا مرتبط به اشیا و اموال مطرح در کتاب و سنت بر واقعیات خارجی و انضمام نظریه مذهبی و هنجاری اسلامی، می‌توان سیاست‌های مناسب اقتصادی تعریف و طراحی کرد.

طبق تفکیکی که شهید صدر بین قوانین طبیعی و اجتماعی مطرح کرد، منطقاً نباید در متون دینی به دنبال قوانین طبیعی علم اقتصاد باشیم، هرچند اتفاقاً ممکن است در متون دینی به مناسبت برخی قوانین علمی طبیعی

اقتصاد مطرح شده باشد. درباره قوانین اجتماعی علم اقتصاد وضع متفاوت است؛ زیرا قوانین اجتماعی، تابع دانش، قدرت و گرایش عمومی افراد اجتماع است و این سه، تابع اموری چون مذهب اقتصادی رایج در جامعه است. بنابراین با فهم نظریات مذهبی رایج در جامعه می‌توانیم به دلالت التزامی دریابیم که چه قوانین علمی در اقتصاد آن جامعه برقرار است.

منابع نقلی، گاه به صورت مطابقی حاوی یک حقیقت و محتوای علمی است. این مربوط به ادله‌ای است که قالب خبری دارد و از واقعیتی اقتصادی خبر می‌دهد. بخشی از ادله نقلی، صبغه انشائی دارد و دلالت آنها بر واقعیت اقتصادی، به صورت التزامی است. کیفیت نقش‌آفرینی گزاره‌های خبری و انشائی در علم اقتصاد اسلامی متفاوت است. گزاره خبری، حاکی از وضع موجود (در حال، گذشته، آینده یا دائماً) است. گزاره انشائی، با دلالت مطابقی از وضع مطلوب و ظرفیت‌های تغییر و تحول حکایت دارد و با دلالت التزامی، بر وجود رابطه ایجابی یا سلبی بین فعل و نتیجه آن دلالت می‌کند. حکایت گزاره‌های خبری، دو صورت دارد:

طرح جریان‌هایی که در مقطع خاص زمانی رخ می‌دهد. این پدیده‌های خاص، یا مربوط به گذشته یا پیش‌بینی وقوع آن در آینده است. توصیف عملکرد اقتصادی بنی اسرائیل (ر.ک. نساء: ۱۶۱؛ بقره: ۶۵؛ اعراف: ۱۶۳) یا توصیفاتی که درباره وضعیت اقتصادی در عصر ظهور حضرت حجت مطرح شده، مصداق این نوع گزارش‌های خاص اقتصادی است. این گزارش‌ها، علاوه بر دلالت مطابقی بر تشریح وضعیت اقتصادی در یک برهه زمانی خاص و طرح عوامل تحقق آن وضعیت، به صورت ضمنی بر جهت‌گیری شریعت نسبت به شاخصه‌های زندگی اقتصادی مطلوب یا نامطلوب و عوامل مؤثر در تحقق آن دلالت دارد. هرچه بتوان از دلالت التزامی این گزارش‌ها، به قواعد و مفاهیم اقتصادی رسید، برای علم اقتصاد اسلامی حائز اهمیت است.

طرح رویه‌های ثابت که در اصطلاح قرآن از آنها به «سنت‌های الهی» تعبیر می‌شود (فاطر: ۴۳؛ اسراء: ۷۷). سنت‌ها، ریشه الهی دارد، یعنی قانونی تکوینی است که خداوند قرار داده و محکوم اراده خداوند است (صدر، ۱۴۲۱ ق - ب، ص ۶۹-۷۰).

سنت‌های الهی در قرآن، به سه کیفیت مطرح می‌شود: نخست، جمله شرطیه که تحقق یک پدیده مشروط به تحقق یا عدم تحقق پدیده دیگری است. دوم، جمله فعلیه که از تحقق پدیده‌ای حکایت می‌کند. سوم، طرح سنت در قالب یک گرایش طبیعی نه یک قانون تخلف‌ناپذیر. گرایش طبیعی، در کوتاه‌مدت قابل تخلف است، هرچند در بلندمدت تخلف‌پذیر نیست (صدر، ۱۴۲۱ ق - الف، ص ۸۹-۱۰۲).

سنت‌ها، به اعتبار اینکه تمام یا برخی از انسان‌ها را شامل می‌شود، به عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۲، ص ۴۳۷ و ۴۴۷). همچنین، سنت‌ها، به اعتبار اینکه مشروط به رفتار انسانی است، یا نه به مطلق و مشروط تقسیم می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۲، ص ۴۲۷)؛ مثلاً سنت هدایت تشریعی (انسان: ۴) و سنت آزمایش

(مأنده: ۴۸؛ هود: ۷؛ ملک: ۲) از سنت‌های مشترکی است که مشروط به رفتارهای انسان نیست، اما سنت «امداد» (اسراء: ۲۰) مشروط است.

سنت‌ها، به دو بخش موضوعی و عام قابل تقسیم است. سنت عام، به نوع خاصی از موضوعات اختصاص ندارد؛ مثل سنت‌های «هدایت»، «آزمایش» و «استخلاف». سنت موضوعی، به نوع خاصی از موضوعات اختصاص دارد؛ مثل سنت‌های اقتصادی. به عنوان مثال، سنت رزاقیت الهی (هود: ۶؛ عنکبوت: ۶۰)، سنت تسخیر، یعنی مسخر بودن طبیعت در دست انسان (لقمان: ۲۰)، سنت تفصیل، یعنی تحقق برتری نسبی بین افراد در جامعه انسانی (نساء: ۳۲ و ۳۴؛ انعام: ۱۶۵؛ زخرف: ۳۲)، سنت وضعیت‌پذیری که در تثبیت و قاعده شدن رفتارهای اقتصادی مؤثر است (مؤمنون: ۵۳؛ روم: ۳۲)، و سنت برکات، یعنی رابطه مستقیم بین ایمان و تقوا با نزول و گسترش برکات الهی (اعراف: ۶۹؛ جن: ۱۶) از سنت‌های اقتصادی مشترک است. سنت نزول برکات، منوط به رعایت ایمان و تقوا از سمت جامعه اسلامی است (اعراف: ۹۶). سنت املاء و استدراج در امور مالی، از سنت‌های اختصاصی در حق کفار است (اعراف: ۱۸۲-۱۸۳؛ قلم: ۴۴-۴۵). شناخت سنت‌های اقتصادی الهی، چند مرتبه دارد: یک، شناخت یک سنت، از روش اجتهادی از طریق استظهار از کتاب و سنت. دو، شناخت مجموع سنت‌های اقتصادی از کتاب و سنت. سه، تبیین نظام‌واره سنت‌های اقتصادی، یعنی تشخیص دهیم که بین مجموعه سنت‌های اقتصادی چه روابطی حاکم است و چه اهدافی بر تحقق مجموعه سنت‌ها مترتب می‌شود. چهار، شناخت نظام کلی حاکم بر سنت‌های الهی است، به گونه‌ای که اقتصاددان بداند سنت‌های اقتصادی بر کدام سنت‌ها مقدم می‌شود و در مقابل کدام سنت‌ها محکوم است. شناخت اجتهادی سنت‌های اقتصادی، ما را به منظومه‌ای از سنت‌ها می‌رساند که چون به صورت روش‌مند از منبع اصیل و اختصاصی اسلام استخراج شده، قید «اسلامی» بر آن صادق است. چون به صورت نظام‌مند از واقعیاتی در عالم هستی حکایت می‌کند، قید «علمی» بر آن صادق است. چون کشف روش‌مند این واقعیات نظام‌مند، مربوط به واقعیات اقتصادی است، عنوان «علم اقتصاد اسلامی» بر آن صادق است.

این فعالیت علمی، با کل‌گرایی روش‌شناختی که شهید صدر به آن باور دارد، در توافق کامل است. مقصود از کل‌گرایی روش‌شناختی، نگاه جامع به مجموعه معارف اسلامی و برحذر بودن از نگاه انتزاعی و بخشی در فهم معارف اقتصادی اسلام است. شهید صدر، با طرح این مبحث که اقتصاد اسلامی، یک کل دارای اجزاء متعدد و جزئی از کل نظام اجتماعی اسلام است، مخاطبان را از جزءنگری روش‌شناختی برحذر می‌دارد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۹۳).

اگر این چهار مرتبه محقق شود، می‌توان از شکل‌گیری علم اقتصاد اسلامی نقلی سخن گفت. شهید صدر، در *المدرسة القرآنية* تلاش کرده تا سنت‌های الهی در تاریخ و اجتماع را تشریح کند (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، درس ۳-۱۴). از آنجا که تاریخ و اجتماع بستر شکل‌گیری رفتارهای اقتصادی است، این تلاش شهید صدر را باید گام‌های اولیه ایشان در مسیر شکل‌گیری «علم اقتصاد اسلامی نقلی» دانست.

علم اقتصاد اسلامی نقلی که سنت‌های الهی در زندگی اقتصادی را تشریح می‌کند، مبنای شکل‌گیری نظریات مذهبی اقتصادی اسلام است. از سوی دیگر، نظریات مذهبی اقتصادی اسلام، حاوی جهت‌گیری کلی احکام اسلامی است (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۱۸۱). بنابراین با یک بنای سه‌سطحی مواجهیم: سنت‌های اقتصادی، مذهب اقتصادی و احکام اقتصادی.

سنت‌های اقتصادی، فارغ از وضعیت جامعه‌ای خاص، مبین واقعیات کلی همواره صادق است. سنت‌های اقتصادی، در قالب گزاره حملیه یا شرطیه یک واقعیت اقتصادی را گزارش می‌کند. بنابراین سنت اقتصادی، با علم اقتصاد اجتماعی این تفاوت مهم را دارد که سنت، فارغ از تجربه و مقدم بر عینیت، صادق است، اما علم اقتصاد اجتماعی، از تجربه زیسته اجتماعی استخراج می‌شود. به همین جهت، سنت‌ها در ظرف فرضی خود همواره صادق است، اما علم اقتصاد اجتماعی، صرفاً در ظرف جامعه مورد تجربه و مشاهده صادق است. سنت‌های اقتصادی، قواعد کلی است، اما هر گزاره علم اقتصاد اجتماعی، مصداق یک یا چند سنت اقتصادی است.

از آنجا که برخی سنت‌های الهی همچون سنت آزمایش (ملک: ۲)، امداد (اسراء: ۲۰) و هدایت تشریعی (جمعه: ۲)، عام و برخی سنت‌های الهی همچون نابودی ربا (بقره: ۲۷۶)، نزول برکات (اعراف: ۹۶) و ازدیاد در اثر شکر (ابراهیم: ۷)، خاص است، گزاره‌های علم اقتصاد نقلی برخی عام و برخی خاص است. سنت‌های خاص، صرفاً در ظرف تحقق شروط خود صادق هستند، اما باز هم استخراج‌شده از واقعیت خاصی نیستند، هرچند بر واقعیات خاصی منطبق می‌شوند. شهید صدر معتقد است نظریه‌های علمی که از قرآن استنباط می‌شود، مبنای پایه شکل‌گیری خطوط اصلی و جهت‌گیری‌های عمومی حاکم بر تشریع اسلامی است: «التشریع الإسلامی فی اتجاهاته العامة و خطوطه، يتأثر و ینتق و یتفاعل مع وجهة النظر القرآنية» و این ابتدا و اتکای جنبه تشریعی بر جنبه نظری تحلیلی را ضروری می‌داند (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۱۸۵-۱۸۷)؛ زیرا بدون این اتکا، مباحث تشریعی درختی بی‌ریشه خواهد بود.

از سوی دیگر، شهید صدر، تشریع را جزئیات قوانین اسلامی می‌داند، در مقابل نظریات کلی مذهبی «المذهب هو مجموعة من النظريات الأساسية والقانون المدني هو التشريع الذي يُنظم تفصيلات العلاقات». قواعد و نظریات مذهبی، زیربنا و چارچوبی برای قانون می‌شود و عاملی اساسی در تعیین جهت‌گیری‌های عمومی تشریع می‌شود: «المذهب الاقتصادي، يشكل قاعدة لبناء فوقی من القانون، و يعتبر عاملاً مهماً فی تحديد اتجاهه العام» و قانون روبنایی است که متناسب با نظریات و مفاهیم اساسی مذهب شکل می‌گیرد: «القانون هو الطابق العلوی الذي يتكيف وفقاً للمذهب» (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۶۵-۳۶۷).

۲-۳. علم اقتصاد طبیعی

چنان که گفته شد، شهید صدر وجود علم اقتصاد اسلامی طبیعی را انکار کرد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۵۱)؛ زیرا طبق تعریف، علم اقتصاد طبیعی، تابع هیچ چارچوب مذهبی نیست. بنابراین علم اقتصاد طبیعی، مشترک بین همه مذاهب است.

هیچ مذهبی حق ندارد قوانین طبیعی علم اقتصاد را از آن خود بداند. این قوانین، نسبت به اراده انسان و مذهب اقتصادی لا بشرط است: «هذه القوانين، لاتحمل شيئاً من الطابع المذهبي، و لاتتوقف على ظروف اجتماعية أو فكرية معينة» (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۵۱-۲۵۲). عالمان هر مذهبی که در کشف یک قانون طبیعی پیشقدم باشند، افتخار کشف آن قانون به آنها اختصاص دارد، اما دیگران نیز می‌توانند از آن استفاده کنند. به‌عنوان مثال، قانون طبیعی «بازده نزولی یا کاهنده بودن بازدهی عوامل تولید»، بین همه مذاهب مشترک است، اما قانون اجتماعی «منفی بودن شیب منحنی تقاضا؛ یعنی افزایش قیمت کالا در اثر افزایش تقاضا برای آن»، در جامعه‌ای که مذهب اقتصادی سرمایه‌داری بر آن حاکم باشد صادق است و ممکن است در شرایط فرهنگی و اجتماعی دیگر صادق نباشد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲).

درباره این دیدگاه شهید صدر، توجه به سه واقعیت ضروری است:

مزیت عالمان اقتصاد اسلامی در این است که منابع در دسترس ایشان برای کشف قوانین طبیعی گسترده‌تر است؛ زیرا علاوه بر عقل، تجربه و شهود، دسترسی به منبع وحی و دلیل نقلی دارند.

ممکن است گفته شود که تفاوت نحوه مواجهه با قوانین طبیعی، راه ورود مذهب را سد می‌کند؛ زیرا هدف نهایی و خروجی علم اقتصاد اسلامی سیاست‌گذاری است. مشکل اقتصادی اساسی در نگاه اسلام، خود انسان و نحوه رفتار ظالمانه انسان در برخورد با سایر انسان‌ها در مرحله توزیع و کفران نعمات در برخورد با نعمات طبیعت در مرحله تولید است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۳۲). بنابراین هدف نهایی هر سیاست اقتصادی، تحقق رفتارها در قالب قواعدی است که تأمین‌کننده هنجارهای اقتصادی اسلام باشد (ر.ک. قاسمی‌اصل، ۱۳۹۷، ص ۴۱). بنابراین سیاست اقتصادی ارتباطی با اقتصاد طبیعی ندارد؛ زیرا سیاست اقتصادی برای تأثیرگذاری بر رفتارها شکل می‌گیرد، درحالی که قوانین طبیعی اقتصاد، تابع اراده و خواست انسان نیست.

اما واقعیت این است که طبیعی بودن یک قانون اقتصادی، با امکان سیاست‌گذاری منافاتی ندارد. به‌عنوان مثال، شهید صدر «کاهنده بودن بازدهی عوامل تولید» را یک قانون طبیعی دانسته که همیشه و همه‌جا برقرار است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲). درعین حال، از قانون طبیعی مستقل از اراده انسان نمی‌توان نتیجه قطعی برای وضع زندگی جوامع گرفت. قوانین علم اقتصاد طبیعی، قوانینی انتزاعی است که عینیت یافتن و عملی شدن آن، تابع سطح دانش، توانش و گرایش در جامعه است. به همین سبب، تعبیر «کاهنده» در قانون «کاهنده بودن بازدهی عوامل تولید»، تعبیری نسبی است که از دانش، قدرت و گرایش انسان متأثر می‌شود. سیاست‌گذار اقتصادی، با تأثیرگذاری در دانش، قدرت و گرایش‌های افراد، نحوه تحقق و عینیت یافتن این قوانین را متأثر می‌سازد (ر.ک. قاسمی‌اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۷۵).

واقعیت این است که معمولاً هر رخداد اقتصادی، همزمان دارای دو بُعد طبیعی و اجتماعی است؛ زیرا اقتصاد از سویی به انسان، رفتار انسان و تعاملات اجتماعی بین مردم مربوط است، و از سوی دیگر، به اشیا و اموال اعم از اموال

طبیعی یا مصنوعی مربوط است. بنابراین معمولاً نظریات اقتصادی، تابع دو مؤلفه طبیعی و اجتماعی هستند. وقتی هر نظریه اقتصادی، دارای بُعد اجتماعی است، می‌توان از اسلامی یا غیراسلامی بودن آن سخن گفت. بنابراین علم اقتصاد طبیعی تا اندازه‌ای که تحت تأثیر عوامل انسانی، اجتماعی و مذهبی واقع شود، قابل انتساب به علم اقتصاد اجتماعی اسلامی و تا جایی که از منبع نقل (قرآن و سنت) قابل استنباط باشد، قابل انتساب به علم اقتصاد اسلامی نقلی خواهد بود.

۳-۳. علم اقتصاد اجتماعی

شهید صدر، تحقق علم اقتصاد اجتماعی اسلامی را در عینیت نفی کرده است، یعنی مذهب اسلامی در جامعه تحقق و عینیت نیافته تا ما بتوانیم با بررسی قانونمندی‌های حاکم بر آن قوانین علمی اقتصاد اسلامی اجتماعی را کشف کنیم (ر.ک. صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۶).

تشبیه بذر و زمین، نشان‌دهنده نگاه شهید صدر برای ترسیم موقعیتی است که در آن، مذهب اقتصاد اسلامی محقق شده و علم اقتصاد اجتماعی اسلامی قابلیت عملیاتی شدن دارد. از منظر شهید صدر، نظریات مذهبی شبیه بذری هستند که برای بارور شدن و به ثمر نشستن توسط حاکمیت اسلامی، نیازمند زمینه اجتماعی مناسب است. مقصود از زمینه اجتماعی مناسب، سه چیز است: ۱. عقیده بنیادین که هسته اصلی اندیشه انسان مسلمان را تشکیل می‌دهد؛ مثل توحید و ایمان به خدا. ۲. مفاهیم؛ یعنی اندیشه‌های پیرامونی که حول محور توحید و ایمان به خدا شکل گیرد و به انسان مسلمان، تصویری مبتنی بر توحید و ایمان به خدا درباره هستی، جامعه، انسان و قوانین اعطا می‌کند. ۳. عواطف؛ یعنی احساسات مثبت یا منفی ناشی از عقیده و حول محور مفاهیم که باعث می‌شود انسان مسلمان به امور مطلوب اسلام گرایش و از امور نامطلوب از منظر اسلام نفرت داشته باشد. اگر این زمین سه‌لایه در میان مردم جامعه رواج داشته باشد، زمینه مناسب برای عملیاتی شدن مذهب اقتصاد اسلام توسط حاکمیت صالح اسلامی فراهم می‌شود (صدر، ۱۳۸۲، ۲۹۳-۲۹۵).

استدلال شهید صدر نشان می‌دهد که رابطه تعاملی مذهب و زمینه اجتماعی، قاعده مشترک بین همه علوم اجتماعی است. بنابراین زمانی می‌توان از تولید علم اقتصاد اجتماعی اسلامی سخن گفت که سه رکن نظریه اسلامی، دولت اسلامی و جامعه اسلامی فراهم باشد: بسته جامعه نظریات مذهبی اقتصادی از منظر اسلام، حاکمیت صالح اسلامی که بنای بر اجرای مذهب اقتصادی اسلام را دارد و زمینه فراهم اجتماعی؛ یعنی مردمی که از نظر فکری و عاطفی مرجعیت اسلام را پذیرفته باشند.

البته ایشان علم اقتصاد اجتماعی اسلامی را به صورت فرضی قابل تحقق می‌داند، اما استفاده از روش فرضی را به جهت مخاطرات ناشی از تأثیرگذاری غیرخطی و مبهم عوامل کیفی، چندان موفق نمی‌داند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۸-۳۱۹). ایشان، با طرح خطر تأثیرپذیری اندیشمندان از محیط اجتماعی بر قضاوت ایشان درباره وضعیت مطلوب، بر این اثر کیفی مغفول تأکید می‌کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۸۴-۳۸۵).

درباره این دیدگاه شهید صدر، توجه به چهار واقعیت ضروری است:

شکل‌گیری جامعه براساس مذهب، به‌معنای اسلامی شدن همه رفتارها و ساختارها در حد بالاترین آرمان‌های اسلامی نیست. طبق تعبیر شهید صدر، «صورت کامل اقتصاد جامعه اسلامی، ناظر به جامعه‌ای است که اراده دارد براساس شریعت اسلام شکل بگیرد» (صدر، ۱۴۲۴ق - الف، ص ۶۲). تعبیر «اراده دارد»، حکایت از روندی مستمر در اسلامی شدن دارد. بنابراین تحقق کامل مد نظر نیست.

چنین جامعه‌ای حتی در عصر حضور امام زمان ع نیز محقق نمی‌شود؛ زیرا تحقق معصیت و گناه در آن دوره نیز محتمل است. به همین سبب، در حکومت سراسر عدالت ایشان، احکام عادلانه در حق مجرمان اجرا می‌شود. در چنین فرض غیرمحتملی، دیگر نیاز عملی به علم اقتصاد اسلامی نداریم. هدف علم اقتصاد اسلامی، شناخت نقاط ضعف و قوت در مقایسه با خواسته‌های مذهب است تا نقاط قوت، حفظ و تقویت و نقاط ضعف، حذف و تضعیف شود. در فرض تحقق کمال مطلق عمومی در اقتصاد، سیاست‌گذاری متنفذ و تحقیق در علم اقتصاد اسلامی، شبیه یک سرگرمی است.

مذهب و نظریات مذهبی، بدون سیاست‌گذاری امکان تحقق عینی ندارد. طبق تعبیر شهید صدر، نظریات مذهبی، نظریاتی اساسی و باثبات است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۶۵ و ۳۸۳). تحقق عینی این نظریات، بدون ملاحظه وضعیت موجود جامعه ممکن نیست. از ملاحظه نسبت بین وضع مطلوب با وضع موجود، تدابیر و سیاست‌هایی شکل می‌گیرد تا در حد امکان وضع موجود به وضع مطلوب نزدیک‌تر شود. از آنجاکه تدبیر اجتماعی و سیاست‌گذاری در صلاحیت دولت اسلامی است، شکل‌گیری جامعه بر اساس مذهب، معنایی جز تحقق حکومت اسلامی و حاکمیت قوانین اسلامی در جامعه ندارد. طبق تعبیر شهید صدر، «جامعه‌ای که دولت اسلامی حاکم نیست و نظام زندگی و سیاست‌ها بر اساس مذهب اسلام شکل نگرفته، بلکه بر اساس نظام‌های اجتماعی و جهان‌بینی‌های دیگری شکل گرفته است» (صدر، ۱۴۲۴ق - الف، ص ۶۲).

در منظر شهید صدر، نظام اجتماعی که دولت اسلامی در آن حاکم است، شکل تحقق‌یافته مذهب اجتماعی اسلام است (قاسمی‌اصل، ۱۳۹۳، ص ۲۳-۲۵) و تحقق مذهب، جز با اتخاذ سیاست‌هایی متناسب با وضع موجود ممکن نیست (قاسمی‌اصل، ۱۳۹۸، ص ۱۶۴؛ ۱۳۹۶، ص ۱۲۰). تجسم مذهب، با کمک سیاست‌گذاری اقتصادی، در ظرف وضع موجود است (ر.ک. صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۹۷، ۳۸۰-۳۸۲، ۶۱۶، ۶۳۱-۶۳۲، ۶۸۵-۶۹۲). طبق تعبیر شهید صدر، «در صورت کامل اقتصاد جامعه اسلامی، عناصر ثابت شریعت با عناصر متغیر توأم است تا در تحقق عدل اسلامی هم‌افزایی کند» (صدر، ۱۴۲۴ق - الف، ص ۵۳). عناصر ثابت، احکام ثابت است و عناصر متغیر، سیاست‌های اقتصادی است که توسط دولت اسلامی طراحی و عملیاتی می‌شود.

۱-۳. علم اقتصاد اجتماعی فرضی و واقعی

در نگرش شهید صدر، علم اقتصاد اجتماعی، به دو صورت فرضی و واقعی قابل تحقق است. اگر جامعه اسلامی شکل گرفته باشد، نظریه‌پردازی تجربی واقعی انجام می‌شود در غیر این صورت، اضطراباً می‌توانیم نظریه‌پردازی تجربی فرضی انجام دهیم. مقصود از تحقق جامعه اسلامی، تحقق مذهب اقتصادی اسلام در جامعه است که لازمه آن حکومت بر اساس اهداف و روش‌های اسلامی است. نظریه‌پردازی فرضی، بدل اضطرابی نظریه‌پردازی واقعی است؛ زیرا وقتی نوبت به نظریه‌پردازی فرضی می‌رسد که جامعه اسلامی واقعاً شکل نگرفته باشد و پژوهشگر بخواهد در قالب آینده‌پژوهی دریابد که با تحقق مذهب اقتصادی اسلام در جامعه، چه دگرگونی‌های رخ خواهد داد. بنابراین این دو نوع نظریه‌پردازی، در طول هم هستند نه در عرض هم (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۷).

در نظریه‌پردازی واقعی، با مشاهده عملکرد عمومی مردم در قبال سیاست‌های دولت اسلامی، قواعد رفتاری حاکم بر عملکرد مردم در جامعه اسلامی کشف می‌شود. این کشف، شامل متغیرهای عددی و معنایی رفتارهای مردم است تا زمینه برای پیش‌بینی آینده و اتخاذ سیاست درست فراهم شود. در نظریه‌پردازی فرضی، فرض می‌شود قواعد مذهبی و احکام شرعی اقتصادی، در جامعه عملیاتی شود و پیش‌بینی می‌شود که در چنین فرضی، مردم چه واکنش‌هایی خواهند داشت؛ مثلاً با فرض حذف کامل ربا از نظام پولی و بانکی کشور و فرض جریان گردش پول بر اساس عقود شرعی، واکنش مردم و نتیجه آن برای شاخص‌های اقتصادی چه خواهد شد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۸).

نظریه‌پردازی فرضی، با مشکلاتی مواجه است که کارآمدی و حتی معقولیت آن را زیر سؤال می‌برد. شهید صدر، به برخی مشکلات نظریه‌پردازی فرضی در مقایسه با نظریه‌پردازی عینی توجه داشته است:

کم‌دقتی نظریه‌پردازی فرضی ناشی از غفلت نسبت به عوامل واقعی دخیل در تحقق واقع. واقعیت موجود، ترکیبی از عوامل متنوع انسانی و اجتماعی و مادی است. عامل انسانی، شامل طیف وسیعی از شناخت‌ها، مهارت‌ها و انگیزه‌ها می‌شود. عامل اجتماعی، شامل طیف متنوعی از ارتباطات و همبستگی‌های اجتماعی و نحوه ارتباط مردم با نظام سیاسی است که انجام امور مختلف را از جهت عرفی یا قانونی آسان یا دشوار می‌کند. عامل مادی نیز ناظر به محیط‌زیست و ابزارهای طبیعی یا مصنوعی در دسترس مردم است. نظریه‌پردازی بدون داشتن هیچ پیشینه و زمینه ذهنی درباره این امور در جامعه فرضی، بسیار واقع‌گرایانه خواهد بود و توان تبیین و پیش‌بینی آن بسیار ضعیف خواهد بود.

تأثیرگذاری عوامل کیفی تعیین‌گریز و غیرقابل کمی شدن که اجازه نمی‌دهد تصویر درست و دقیقی نسبت به آنچه اتفاق خواهد افتاد، در ذهن نظریه‌پرداز شکل بگیرد؛ عواملی که شهید صدر از آن به عنصر روحی و فکری یا «المزاج النفسی العام للمجتمع الإسلامي» تعبیر می‌کند که اثر بزرگی در جریان زندگی اقتصادی دارد، درحالی که درجه معین و شکل مشخصی ندارد، به گونه‌ای که بتوان به صورت پیش‌بینی آن را فرض کرد و نظریات را بر اساس آن ارائه داد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۷).

مشکل اول، ناظر به نظریه‌پرداز است که معمولاً دچار غفلت‌هایی می‌شود. مشکل دوم، ناظر به ویژگی‌های واقعیت اجتماعی است که طبیعتاً از دسترس فهم خارج است. غلبه کامل بر مشکل اول، منوط به توجه کامل و عدم غفلت است و غلبه کامل بر مشکل دوم، منوط به علم مطلق است که هر دو از دسترس انسان متعارف خارج است. غلبه نسبی بر این دو مشکل، منوط به تجربه واقعی و عینی است. به همین مناسبت، شهید صدر تحقق حقیقی علم اقتصاد اسلامی را منوط به تجسد و تعین یافتن مذهب اقتصادی در جامعه می‌داند تا سپس پدیده‌ها و تجارب اقتصادی در آن جامعه به نظم کشیده شود (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۷).

نظریه‌پردازی فرضی، یعنی فرض تحقق مذهب. تحقق مذهب، یعنی تحقق حکومت اسلام، پذیرش حکومت اسلامی از سوی مردم و مبتنی شدن سیاست‌ها بر هنجارهای مذهب اقتصادی اسلام. تحقق مذهب معنایی جز تحقق سیاست‌های اسلامی در راستای مذهب ندارد و تحقق سیاست بدون شناخت وضع موجود امکان ندارد. پذیرش همزمان «شناخت وضع موجود» و «واقعیت فرضی»، تناقض‌آمیز است.

مشکل اول و دوم، کارآمدی نظریه‌پردازی فرضی را نفی می‌کند، اما مشکل سوم، امکان نظریه‌پردازی فرضی را زیر سؤال می‌برد. بنابراین نظریه‌پردازی فرضی، غیرمفید یا غیرممکن است.

بنابراین با صرف‌نظر از علمی بودن مذهب در اقتصاد اسلامی بر اساس رویکرد شهید صدر (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۵) و با اذعان به اینکه اسلامی دانستن گزاره‌های علم اقتصاد طبیعی منوط به تأثیرگذاری عوامل انسانی و اجتماعی در مؤلفه‌های نظریات علم اقتصاد طبیعی است، بحث از علم اقتصاد اسلامی در نگرش شهید صدر را باید حول دو محور علم اقتصاد اجتماعی و علم اقتصاد نقلی دنبال کرد.

نتیجه‌گیری

ابهام درباره نگرش شهید صدر درباره نظریه علمی در اقتصاد اسلامی، منشأ شکل‌گیری تحقیقاتی در این زمینه شده است. مقاله حاضر، تلاشی در راستای رفع این ابهام است که به سه پرسش پاسخ می‌دهد: در نگرش شهید صدر، علم اقتصاد اسلامی چیست؟ آیا وجود دارد؟ و انواع آن کدام است؟

شهید صدر، درباره چیستی علم اقتصاد سه تفکیک مطرح می‌کند:

مذهب اقتصاد علمی و مذهب اقتصاد غیرعلمی، یعنی مذهبی که عملاً واقع شده و به نحو تجربی اثبات شده باشد، یا چنین نباشد. مذهب اقتصادی مارکس، مدعی علمی بودن است، اما مذهب اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری ادعای علمی بودن ندارند، با این تفاوت که مذهب اقتصادی اسلام بر مبانی اساسی (سنت‌های الهی) مبتنی است، اما مذهب اقتصاد سرمایه‌داری فاقد مبانی هستی‌شناختی است. برهان و واقعیت، ادعای مارکس را رد می‌کند.

ناظر به محتوای نظریات علمی: علم اقتصاد طبیعی که نسبت به مذهب و اراده انسان لا بشرط است و علم اقتصاد اجتماعی که تابع مذهب و اراده انسان است. علم اقتصاد اجتماعی، به تعدد مذاهب متعدد است.

ناظر به منبع و روش شناخت نظریه‌ها: علم اقتصاد نقلی، یعنی گزاره‌ها و نظریاتی که در کتاب و سنت آمده باشد و علم اقتصاد تجربی، یعنی نظریاتی که با تجربه پدیده‌های اقتصادی در جامعه به دست آمده باشد.

شهید صدر، چهار نوع علم اقتصاد اسلامی را نفی می‌کند:

نفی علمی بودن مذهب در اقتصاد اسلامی. اگر علمی را به معنای واقعی و مستند بگیریم، نه لزوماً به معنای یافته‌ای بر اساس دلیل تجربی، مذهب اقتصادی اسلام نیز علمی خواهد بود.

نفی اسلامی بودن علم اقتصاد طبیعی؛ زیرا قضایای طبیعی بین همه جوامع و مذاهب مشترک است. در این مورد، صرفاً می‌توان از علم اقتصاد طبیعی مسلمانان تعبیر کرد که به معنای مجموعه گزاره‌ها و نظریه‌های علم اقتصاد طبیعی است که توسط اقتصاددانان مسلمان کشف شده باشد. طبیعی بودن یک نظریه اقتصادی، منافاتی با سیاست‌پذیری آن ندارد. بنابراین از آنجاکه هر سیاستی مبتنی بر یک نظریه مذهبی است، نظریات علم اقتصاد طبیعی نظریاتی انتزاعی و کلی است که تعیین یافتن آن در چارچوب مذهب و سیاست‌های ناشی از آن خواهد بود.

نفی تحقق علم اقتصاد اجتماعی اسلامی. امکان تحقق علم اقتصاد اجتماعی اسلامی ضرورت دارد. از آنجاکه تحقق مذهب در جامعه معنای قابل قبولی جز تحقق حکومت اسلامی و اجرای سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر مذهب اقتصادی اسلام ندارد. بنابراین باید بگوییم: اکنون زمینه برای نظریه‌پردازی علمی در اقتصاد اجتماعی اسلامی وجود دارد. شهید صدر برای تحقق علم اقتصاد اجتماعی اسلامی، دو روش عینی و فرضی را متصور می‌داند: در روش عینی، جامعه اسلامی به مثابه یک واقعیت تحقق یافته از لحاظ وضعیت اقتصادی تبیین و پیش‌بینی می‌شود. در روش فرضی، فرض می‌شود که جامعه اسلامی محقق شده باشد و اسلام حاکم شده باشد. در چنین فرضی، وضعیت جامعه از لحاظ اقتصادی تبیین و پیش‌بینی می‌شود. روش فرضی، با مشکل عدم کارایی و واقع‌نمایی مواجه است.

نفی ضرورت علم اقتصاد اسلامی نقلی. بهترین دلیل بر امکان چیزی، تحقق آن است. مشاهده می‌شود گزاره‌های اقتصادی فراوانی در قرآن و سنت وجود دارد که حاوی قواعدی مربوط به زندگی اقتصادی است که در اصطلاح قرآن از آن به سنت‌های الهی تعبیر می‌شود.

بنابراین شهید صدر منطقاً دو نوع علم اقتصاد اسلامی را می‌پذیرد: ۱. علم اقتصاد اسلامی اجتماعی؛ ۲. علم اقتصاد اسلامی نقلی. البته این دو قسیم هم نیستند؛ زیرا قسیم اجتماعی، طبیعی و قسیم نقلی، تجربی است. ایشان در زمان نگارش *اقتصادنا*، تحقق عینی علم اقتصاد اسلامی اجتماعی را نفی می‌کند، اما تحقق فرضی آن را ممکن می‌داند. وی با اینکه در *اقتصادنا* علم اقتصاد اسلامی نقلی را غیر ضروری می‌شمارد، عملاً با نگارش *المدرسه القرآنیة*، وجود علم اقتصاد اسلامی نقلی را پذیرفته است.

بنابراین در کلام شهید صدر، دو رویکرد منبع‌محور و موضوع‌محور به علم اقتصاد اسلامی مشاهده می‌شود. بر اساس رویکرد منبع‌محور، هر نظریه علمی اقتصادی که از منابع اختصاصی اسلام، یعنی قرآن و سنت، به دست آید، نظریه‌ای متعلق به علم اقتصاد اسلامی است. موضوع این نوع نظریه‌پردازی، سنت‌های الهی اقتصادی در جوامع است که شهید صدر، برخی موازین و موارد استنباط آن را در *المدرسة القرآنية* مطرح کرده است. در رویکرد موضوع‌محور، هر نظریه‌ای که به پدیده‌های اقتصادی در جامعه اسلامی، بپردازد، نظریه‌ای متعلق به علم اقتصاد جامعه اسلامی است. از رویکرد منبع‌محور به علم اقتصادی اسلامی نقلی و از رویکرد موضوع‌محور به علم اقتصاد اسلامی اجتماعی می‌توان تعبیر کرد.

منابع

قرآن کریم.

- توکلی، محمدجواد (۱۳۹۶). بازخوانی رویکرد شهید صدر در مورد هویت علمی اقتصاد اسلامی. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۳۳ (۹۰)، ۲۱۱-۲۳۴.
- دادگر، یدالله (۱۳۷۵). کاوشی در علمیت اقتصاد و اقتصاد اسلامی. معرفت، ۲ (۲۳)، ۱۵-۲۹.
- دادگر، یدالله (۱۳۷۷). تحلیلی بر علمی نبودن اقتصاد اسلامی از نظر آیت‌الله صدر. *نامه مفید*، ۴ (۱۳)، ۴۹-۷۲.
- رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۹۰). بازخوانی مجدد ماهیت اقتصاد اسلامی. *معرفت/اقتصاد اسلامی*، ۳ (۵)، ۱۷۱-۱۹۶.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۲). *اقتصادنا*. قم: بوستان کتاب.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۱ق - الف). *المدرسة القرآنية*. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۱ق - ب). *المدرسة الإسلامية*. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۴ق - الف). *الأسلام يقود الحياه*. بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۴ق - ب). *فلسفتنا*. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد صدر.
- قاسمی اصل، محمدجواد (۱۳۹۶). فرضیه در مذهب اقتصادی اسلام با تأکید بر دیدگاه شهید صدر در کتاب اقتصادنا. *عیار پژوهش در علوم انسانی*، ۸ (۱۵)، ۱۰۷-۱۲۲.
- قاسمی اصل، محمدجواد (۱۳۹۷). قواعد رفتاری در اقتصاد اسلامی؛ مفهوم، ویژگی‌ها، رویکردهای نظری و مبانی عملی. *پژوهشنامه سبک زندگی*، ۴ (۷)، ۴۱-۶۴.
- قاسمی اصل، محمدجواد (۱۳۹۳). *بررسی و تحلیل جایگاه استقرار در روش شهید صدر در اقتصاد اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- قاسمی اصل، محمدجواد (۱۳۹۸). نظریه سیاستی در اقتصاد اسلامی. *معرفت/اقتصاد اسلامی*، ۱۰ (۲۰)، ۱۶۱-۱۷۸.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۲). *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *آموزش فلسفه*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۵). نقد و بررسی دیدگاه شهید صدر درباره هویت اقتصاد اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۶ (۲۲)، ۱۲۳-۱۴۶.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۰). درآمدی بر روش علم اقتصاد اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۱ (۴۲)، ۲۸۵.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۶). موضوع علم اقتصاد اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۷ (۲۸)، ۷-۳۵.
- نظری، حسن آقا (۱۳۸۸). روش‌شناسی شهید صدر درباره شکل‌گیری علم اقتصاد اسلامی و تحقیق نهایی درباره آن. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۵ (۶۱)، ۵۱-۶۰.
- نظری، حسن آقا و همکاران (۱۳۹۷). *مناشناسی مکتب، نظام و علم در ادبیات اقتصاد اسلامی*. معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۰ (۱۹)، ۲۵-۴۶.